

جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)

حسن حاجی‌تبار فیروزجائی^۱

چکیده

با توجه به ناکارآمد بودن مجازات حبس — به‌ویژه حبس‌های کوتاه مدت — در اصلاح و بازپروری زندانیان، همچنین به دلیل جرم‌زا بودن محیط زندان، هزینه اقتصادی زندان، مشکلات بهداشتی و روانی موجود در آن و غیره، برنامه‌های جایگزین حبس لازم و مفید به نظر می‌رسد. بر همین اساس، امروزه، سیاست‌گذاران جنائی ایران در راستای حبس‌زدایی و منع استفاده بی‌رویه از مجازات حبس، اقدام به تدوین لایحه‌ای تحت عنوان «مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» نموده‌اند. این مقاله ضمن معرفی و بررسی گونه‌های سنتی و نوین جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران، نتیجه‌گیری می‌کند که نه تنها تصویب قوانین و مقررات شفاف و جامع در این زمینه مفید و ضروری است، بلکه اجرای موفقیت‌آمیز این قوانین، نیازمند فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه است.

واژگان کلیدی

زندان، جایگزین‌های حبس، نظام عدالت کیفری، اصلاح، بازپروری

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

مجازات حبس به منزله یک مجازات اصلی، از نیمه دوم قرن هجدهم به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر در نظام‌های کیفری بسیاری از کشورها وجود دارد. هرچند در سیر تحول نظام مجازات شاهد تحولاتی در رویکرد به فلسفه مجازات حبس و چگونگی اجرای بهتر آن هستیم^۱، ولی پس از جنگ دوم جهانی، تحت تأثیر اقدامات جنبش دفاع اجتماعی در زمینه رعایت و احترام به حقوق بشر^(۹۵، ۸۷: ۳) — به ویژه با صدور ا.ح.ب. و م.ب.ح.م. (۷۱: ۱)، حق آزادی که پس از حق حیات یکی از اساسی‌ترین حقوق بشر محسوب می‌شود، جایگاه خود را پیدا کرد و بر همین مبنا چهارچوب روابط قوای حاکم بر شهروندان باز تعریف شد. رواج یافتن حقوق شهروندی موجب افزایش تکالیف حکمرانان شد. مردم به دنبال دولت‌های پاسخگو بودند و انتظار داشتند که حاکمان حقوق اولیه همه شهروندان — از جمله حق حیات و حق آزادی — را به صورت کامل، هم در برابر مردمان متجاوز و هم در برابر کارگزاران حکومت، حفظ و حراست کنند. اهمیت حقوق اساسی شهروندان — به ویژه حق آزادی — سلب آزادی از افراد را به عنوان یک استثنا و آخرین حربه مطرح کرد و گستردگی استفاده از حبس و بازداشت موقت را زیر سؤال برد و سلب آزادی تنها برای موارد مهم و خطرناک مجاز شمرده شد. بدین ترتیب مشروعیت حبس دچار تردید شد و کمتر کسی سلب آزادی از تمام مجرمان را پذیرفت. نتایج مطالعات و آمارها نیز نشان دادند که حبس چه از منظر فلسفه ارباب و بازدارندگی و چه از منظر فلسفه اصلاح و درمان با شکست مواجه شده است (۱۷، ۱۶: ۲، ۶۹، ۶۷: ۱۱ و ۹۲: ۱۳). در عین حال، انتقادهای گسترده‌ای به آثار منفی زندان از لحاظ اقتصادی، جرم‌شناختی و اجتماعی وارد شد.^۲ این اشکالات گسترده در کنار شکست عملی مجازات حبس

۱. برای آگاهی بیشتر از تاریخ تحولات نظام مجازات‌ها به ویژه مجازات حبس ر.ک.: صفاری، علی؛ کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)؛ چاپ اول، انتشارات جنگل، صص ۱۸۵-۳۳.

۲. برای تفصیل راجع به عوامل عملی ناکارآمدی مجازات حبس: ر.ک.: نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ کیفرهای جامعه مدار؛ دیپاچه در: کیفرشناسی؛ برنار، بولک؛ چ چهارم، انتشارات مجد، آبان ۱۳۸۴، ص ۳ و حاجی تبار فیروزجائی، حسن؛ جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران؛ با دیپاچه صفاری، علی؛ چاپ اول، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۶، صص ۵۴-۳۹.

و تردیدهایی که در مشروعیت نظری^۱ آن پدید آمده بود، همه متفکران علوم جنائی را واداشت که به دنبال جایگزین‌هایی برای مجازات حبس باشند. در ایران، با وجود کوشش‌ها و هزینه‌ها در جهت روش‌های اجرائی بهتر و صحیح‌تر مجازات حبس، در دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات (اصلاح و بازپروری و بازسازگاری^۲) ناموفق بوده است^۳. به همین دلیل، در سال‌های اخیر تحت تأثیر توصیه‌های سازمان ملل متحد و تجربه موفق کشورهای دیگر و نیز به دلیل ناکارآمدی برنامه‌های اصلاح و درمان در ایران^۴ و به‌ویژه نگرش رئیس قوه قضائیه به مسأله زندان در فقه (۲۲: ۱۷)، تلاش‌هایی به منظور تحدید موارد استفاده از مجازات حبس و متنوع کردن مجازات‌ها در چهارچوب سیاست حبس‌زدایی صورت گرفته است. تدوین لایحه «مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان»^۵ نشان می‌دهد که ایران هم در صدد برطرف کردن مشکل حبس‌محوری در نظام عدالت کیفری ملی خود است. بدین ترتیب، جهت حرکت چه در ایران و چه در کشورهای دیگر، به سمت



۱. برای اطلاع بیشتر از مبانی نظری جایگزین‌های حبس ر.ک.: صفاری، علی؛ تقریرات کیفرشناسی؛ دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، نیمسال اول ۸۶-۸۵، صص ۵۱-۳۲؛ و نیز: حاجی‌تبار فیروزجائی، حسن؛ همان مأخذ، صص ۷۲-۵۵. و نیز: -Cavadino M.&Dignan.j.(2002) the pensl system:An introduction third edition sage publication London pp.121-167.

۲. ماده ۳ آیین‌نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱۳۸۴.
۳. در خصوص علل عدم موفقیت مجازات زندان در اصلاح و بازپروری به عنوان نمونه ر.ک.: - منصورآبادی، عباس؛ زندان: راه‌حل یا مشکل؛ مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۹۲.
- معظمی، شهلا؛ جانشین‌های مجازات زندان برای زنان؛ مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان، ۱۳۸۶، ص ۶۸.
- حاجی‌تبار فیروزجائی، حسن؛ همان مأخذ، صص ۴۵-۴۱.
۴. برای نمونه ر.ک.: صفاری، علی؛ کیفرشناسی و توجیه کیفر؛ مقالات علوم جنائی، ج ۲، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴ (پاورقی).
- گودرزی، محمدرضا؛ نارسایی‌های زندان، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹.

۵. لایحه در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۳ در معاونت حقوقی و توسعه قضائی توسط کمیسیون سیاست جنائی و اصلاح قوانین کیفری- کمیته سیاست کیفری- تدوین و تنظیم گردید و به دنبال بررسی آن در کمیسیون حقوقی مجلس شورای اسلامی، در شور اول مجلس شورای اسلامی مورد تصویب قرار گرفته است.

محدود کردن حبس است نه حذف کامل آن از نظام عدالت کیفری، زیرا در برخی موارد، اعمال مجازات حبس امری گریزناپذیر به نظر می‌رسد. به همین دلیل در لایحه «مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» پیش‌بینی چنین مجازات‌هایی فقط برای دسته خاصی از جرم‌ها که مجازات حبس‌شان تا میزان خاص و معینی باشد، برای دادگاه به طور الزامی یا اختیاری مجاز شمرده شده است.

در این مقاله، ضمن بررسی انواع جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران، به ابهامات و اشکالات موجود در قوانین و مقررات موضوعه ایران در خصوص جایگزین‌های حبس و راه حل آنها پرداخته می‌شود. در همین راستا، مطالب در دو قسمت: «گونه‌های سنتی جایگزین حبس» (الف) و «گونه‌های نوین جایگزین حبس» (ب) بررسی می‌شوند.

الف. گونه‌های سنتی جایگزین حبس

منظور از گونه‌های سنتی جایگزین حبس در این مقاله، آن دسته از تدابیری هستند که از بدو قانون‌گذاری در نظام عدالت کیفری ایران به منظور کاهش جمعیت زندان و اجتناب از آثار زیان‌بار آن پیش‌بینی شده‌اند و هم‌اکنون نیز از اعتبار قانونی برخوردارند. اینها عبارت‌اند از: جزای نقدی، تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط.

جزای نقدی به عنوان یک گزینه واقعی از گونه‌های سنتی جایگزین کیفر حبس در معنی اخص آن است. نکته قابل بحث در این قسمت بر سر دو گزینه آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات (حبس) است مبنی بر اینکه آیا این دو را می‌توان واقعاً از تدابیر جایگزین مجازات زندان در معنی حقیقی کلمه به حساب آورد یا خیر؟ به نظر می‌رسد که اگر چه این دو تدبیر را نمی‌توان از گونه‌های واقعی جایگزین مجازات زندان (به عنوان کیفر مستقل) به حساب آورد، ولی می‌توان جزء راه‌حل‌های جایگزین در معنی عام تلقی نمود. زیرا اکثر حقوق‌دانان (۱۳۴، ۱۳۲: ۶) و نیز شورای اروپا در نشستی در سال ۱۹۸۵ در باب جایگزین‌های اقدام سالب آزادی (۳۸۴، ۳۸۰: ۱۴)، سه‌گونه برداشت و طبقه‌بندی را از راه‌حل‌های جایگزین مجازات حبس به عمل آوردند که دسته سوم از آنها



شامل تدابیری می‌شوند که هدف آنها اجتناب از اجرای حکم مجازات حبس است که تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط از زمرهٔ این تدابیر هستند. به همین دلیل، با کمی تسامح می‌توان این‌ها را از زمرهٔ تدابیر جایگزین زندان در معنی موسع (به دلیل نقش تعدیل‌کنندگی آزادی مشروط در مرحلهٔ اجرای مجازات حبس و نیز عدم اجرا و اعمال آن به خاطر تعلیق اجرای مجازات) تلقی نمود، اگر چه جزء تدابیر جایگزین حبس به عنوان کیفر مستقل و در معنی واقعی آن به حساب نمی‌آیند. زیرا در هر دو مورد محکومیت به حبس تا پایان مدت آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات به قوت خود باقی است.

۱. آزادی مشروط

آزادی مشروط^۱ ارفاقی است که قبل از اتمام مدت مقرر مجازات حبس توسط دادگاه صادرکنندهٔ حکم به محکوم اعطا شده و نمایانگر توجه خاص قانون‌گذار به اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی او است.

آزادی مشروط عبارت است از «آزادی موقت محکوم به حبسی که مدتی از دورهٔ محکومیت خود را طی کرده و با شرایط پیش‌بینی شده توسط قانون قابلیت آزادی بقیهٔ مدت مجازات را به دست آورده است که در صورت اجرای شرایط آزادی او قطعی و الامحکومیت به طور کامل اجرا می‌گردد.» (۴۲ : ۱۶)

در پاسخ به این سؤال که «آیا آزادی مشروط را می‌توان از تدابیر جایگزین حبس به حساب آورد یا خیر؟» باید گفت که نظر غالب^۲ این است که آزادی

1. parole

۲. برای دیدن نظر مخالف و موافق، ر.ک.: قنبری، عطاء...؛ جایگزین‌های زندان کوتاه مدت در حقوق ایران و انگلستان؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۷۶، صص ۲۴-۲۳.
- لاسال، ژان-ایو؛ جایگزین‌های سلب آزادی و برآورد ترازنامه اجرایی آنها در حقوق فرانسه؛ ترجمه: نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۲-۳۱، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۳.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ تقریرات علوم جنایی؛ جلد اول، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، دی ۱۳۸۱، ص ۳۷۸.
- آشوری، محمد؛ جایگزین زندان؛ همان مأخذ، صص ۱۱۱ به بعد.
- ماری پیکار، ژان؛ مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین همایش جایگزین مجازات زندان؛ همان مأخذ، ص ۵۳.
- میرمحمد صادقی، حسین؛ مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین همایش جایگزین مجازات زندان؛ همان مأخذ، ص ۹۷.

مشروط را می‌توان به عنوان برنامه‌های جایگزین مجازات حبس در مفهوم موسع آن تلقی کرد؛ البته در صورتی که همراه با نظارت باشد. در غیر این صورت، اطلاق وصف جایگزین به آن تا حدودی با اشکال مواجه خواهد شد.

آزادی مشروط چه در ق.م.ا. (مواد ۳۸-۴۰) و چه در سایر قوانین جزائی ایران (مانند ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان - مصوب ۱۳۳۷)، تنها ناظر به مجازات حبس بوده؛ یعنی حبسی که در نتیجه حکم دادگاه صادر شده است. به نظر می‌رسد که آزادی مشروط کلیه حبس‌های تعزیری و بازدارنده و حتی حدی را شامل می‌شود. چون آنچه در اعطای آزادی مشروط مهم است، قابلیت استحقاق مجرم برای اعطای آزادی مشروط است و فرقی نمی‌کند که آن حبس از چه نوعی باشد.

این مسأله که اگر کسی برای اولین بار محکوم به حبس ابد شود، آیا می‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند یا خیر، از جمله موضوعاتی است که در ق.م.ا. سکوت واقع شده است. در این خصوص، ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ مقرر می‌نمود: «محکومین به حبس دائم پس از گذراندن دوازده سال حبس ممکن است از آزادی مشروط استفاده نمایند.» ب وجود اعتقاد برخی به اعتبار این ماده واحده (۳۶: ۹ و ۲۵۱: ۴) در حال حاضر به نظر می‌رسد که سکوت قانون‌گذار در مواد ۳۸ الی ۴۰ ق.م.ا. و جانشین کردن این مواد به جای قانون ۱۳۳۷ و لزوم رعایت اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها دلالت بر این دارند که در وضعیت کنونی محکومان به حبس ابد حق استفاده از آزادی مشروط را ندارند. در این خصوص، نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۱۱ - ۱۳۸۱/۱/۱۵ این نظر را تأیید می‌نماید. زیرا، حبس ابد مادام‌العمر بوده و مقید به مدت معینی نیست و لذا نمی‌توان نصف آن را تعیین کرد. بنا بر این در مورد محکومان به حبس ابد آزادی مشروط متصور نمی‌باشد، مگر اینکه قانون‌گذار به طور صریح بیان کند.

این مسأله که آزادی مشروط تنها مجرمینی را در بر می‌گیرد که برای اولین بار محکوم به حبس شده‌اند، تا حدودی غیرمنطقی است. زیرا شخصی ممکن است

دوباره به طور غیر عمدی یا به دلیل قصور بزده‌دیده و علل دیگر مرتکب جرم شده باشد، در صورتی که چنین فردی به نظر دادگاه ممکن است خطرناک تلقی نشود. عدم پیش‌بینی تدابیر نظارتی و کنترلی و نهاد یا مؤسسه متصدی آن در طی آزادی مشروط در ق. م. ا. یکی دیگر از ایرادهاست. پیش‌بینی چنین تدابیری می‌تواند نقش به‌سزایی در کاهش تکرار جرم داشته باشد زیرا که یکی از فلسفه‌های آزادی مشروط، اصلاح و درمان و بازسازگاری اجتماعی مجرم و در نتیجه، جلوگیری از تکرار جرم او است. آنچه در اصلاح و بازسازگاری مجرم مهم به نظر می‌رسد، تحت نظارت بودن آنها در هنگام آزادی و فراهم ساختن امکانات و تسهیلات مورد نیاز برای اصلاح و بازسازگاری است. در غیر این صورت، رسالت و هدف آزادی مشروط ناتمام باقی خواهد ماند. وانگهی، از آنجا که متصدی کنترل و نظارت مسئول و نماینده جامعه است، باید نقض این شرایط و دستورها از سوی مجرم در حین آزادی را جدی تلقی نماید چون در غیر این صورت، آزادی مشروط بی‌فایده خواهد بود. بنا بر این، در صورتی می‌توان آزادی مشروط را در نظام کیفری ایران جزء برنامه‌ها و راه‌کارهای جایگزین حبس در کنار تدابیری همچون تعلیق مراقبتی به حساب آورد که همراه با انجام دستورهای تعیین شده از سوی دادگاه توسط مجرم و نظارت بر مجرم و اجرای دقیق آن دستورها توسط یک نهاد نظارتی و مراقبتی باشد. اما چون چنین سازوکارهایی راجع به آزادی مشروط در کشور ایران دیده نمی‌شود، به همین دلیل، با توجه به قوانین و مقررات فعلی حاکم بر آزادی مشروط نمی‌توان از آن به عنوان جایگزین واقعی حبس در نظام عدالت کیفری ایران یاد کرد.

۲. تعلیق اجرای مجازات

تعلیق اجرای مجازات^۱ از آورده‌های مکتب تحقیقی است که محکوم‌علیه به موجب آن از اجرای کیفر — به‌ویژه کیفر حبس و شرایط نامناسب آن — رهایی می‌یابد. تعلیق حقی برای مجرم به حساب نمی‌آید، بلکه وسیله و ابزاری است برای ارفاق و مساعدت نسبت به مجرم که در جهت رعایت اصل فردی کردن

1. suspended sentence

مجازات‌ها به دادگاه داده شده است.

در ق.م.ا. تعریفی از تعلیق اجرای مجازات دیده نمی‌شود. اما با توجه به عنوان و موادی که به این موضوع اختصاص داده شده است می‌توان آن را چنین تعریف کرد: تعلیق اجرای مجازات عبارت است از به تأخیر انداختن اجرای مجازات‌های ناشی از محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده توسط دادگاه صادرکننده حکم محکومیت قطعی هنگام صدور حکم محکومیت با توجه به شرایط مقرر در قانون.

ماده ۲۵ ق.م.ا. برخلاف ق.ر.م.ا. که اجرای تمام مجازات را قابل تعلیق می‌دانست مقرر می‌دارد: «حاکم می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را معلق نماید». در خصوص تعلیق قسمتی از مجازات، به باور برخی از حقوق دانان (۲۸۷: ۵)، «با اجرای قسمتی از مجازات این احساس را در مجرم بوجود آورده‌ایم که تاوان عمل خود را پرداخته است و دیگر مدیون جامعه نیست». تعلیق قسمتی از مجازات — به‌ویژه کیفر حبس — در حقیقت با مبانی و اهداف^۱ تعلیق مغایرت دارد و نه تنها از نقش تعلیق به عنوان جایگزین حبس می‌کاهد، بلکه بر احساس بی‌عدالتی و نارضایتی عموم نسبت به دستگاه قضائی می‌افزاید. همچنین در این باره نه تنها تعلیق قسمتی از کیفر مطلقاً با منطبق تعلیق هماهنگی ندارد بلکه قانون‌گذار مشخص نکرده است که اگر قسمتی از مجازات اجرا و بقیه معلق شود آیا قسمت اجرا شده باید در شناسنامه محکوم قید گردد یا خیر و آیا در صورت ارتکاب جرم در دوران تعلیق، آن قسمت اجرا شده را باید به عنوان اجرای کامل حکم در نظر گرفت و مقررات تکرار جرم را اعمال کرد یا نه؟ (۴۶۴: ۱۵).

یکی دیگر از مسائل تعلیق اجرای مجازات در نظام کنونی این است که در صورت پذیرش تقدم پرداخت خسارت مدعی خصوصی بر تعلیق (ماده ۳۱ ق.م.ا.) ایرادهایی مطرح می‌شوند. اول، قانون‌گذار مهلتی را برای پرداخت خسارت مدعی خصوص مشخص نکرده است. بدین ترتیب، سرنوشت تعلیق اجرای مجازات مبهم می‌ماند و معلوم نیست که آیا باید تا زمان صدور حکم اعسار منتظر ماند؟

۱. راجع به اهداف تعلیق اجرای مجازات ر.ک.: حاجی تبار فیروزجائی، حسن؛ همان مأخذ، صص ۱۱۲-۱۱۱.

دوم، در صورتی که محکوم‌علیه طبق ماده ۶۹۶ ق.م.ا تا استیفای حقوق محکوم له در بازداشت به سر ببرد، تعلیق ناکارآمد خواهد شد؛ به‌ویژه هنگامی که قاضی با توجه به شرایط مندرج در قانون و با هدف پرهیز از اجرای مجازات حبس، تعلیق آن را مناسب تشخیص دهد. بنا بر این برای رفع یا کاهش این ایراد می‌توان گفت که در هر صورت، حکم به پرداخت خسارت در وجه مدعی خصوصی اجرا خواهد شد زیرا، امر کیفری از حقوق عامه است و ارتباطی با حقوق اشخاص ندارد ... (۲۴۶: ۴).

یکی از نقاط ضعف مقررات فعلی این است که هیچ‌گونه کنترل و نظارتی بر اجرای دستورهای دادگاه در ماده ۲۹ ق.م.ا پیش‌بینی نشده است (به جز در مورد بند ۱ مربوط به معرفی خود به دادستان یا شخص یا مقامی که او معرفی می‌کند). در این خصوص در مصاحبه‌ای که با برخی از قضات دادگاه‌های عمومی اردبیل (۱۳۸۰-۱۳۷۷) در خصوص علت عدم صدور احکام تعلیق صورت گرفته بود، برخی از آنان به دلیل فقدان کنترل و نظارت بر محکومان تعلیق شده، چنین نهادی را فاقد جنبه اصلاحی و از دلایل عدم صدور احکام تعلیقی بر شمردند. (۷۵: ۷).

در خصوص عدم شمول تعلیق نسبت به برخی از جرائم حقوق دانان (۲۴۲: ۴) معتقد اند که: «عدم شمول تعلیق به بعضی از مجازات‌های تعزیری دلیل موجهی ندارد. به فرض، شدت و وخامت بعضی از جرائم نباید موجب محرومیت از توجه و ارفاق گروهی از بزه‌کاران گردد که همانند دیگران در معرض همان زیان‌های ناشی از اجرای مجازات‌ها خواهند بود».

نهاد تعلیق اجرای مجازات در نظام کیفری ایران در صورتی جزء برنامه‌های جایگزین حبس — نه به عنوان جایگزین واقعی و کیفر مستقل بلکه جایگزین در معنی موسع آن — به حساب می‌آید که همراه با تدابیر نظارتی باشد. چون، در غیر این صورت، فلسفه چنین نهادی (بازسازی‌گارسازی مجرم و اصلاح او) که از اهداف برنامه‌های جایگزین حبس نیز است، زیر سؤال خواهد رفت. بدین ترتیب، فقدان تدابیر نظارتی باعث می‌شود که نتوان از این نهاد به عنوان جایگزین واقعی حبس

در نظام کیفری ایران یاد کرد، هر چند که مقصود قانون‌گذار از وضع آن، عدم اجرای مجازات‌ها به‌ویژه حبس در جهت کاهش جمعیت زندان و بازسازی مجرمان باشد.

۳. جزای نقدی

جزای نقدی^۱ در زمره مجازات‌های مالی است که گاه به صورت مجازات اصلی (ماده ۵۴۱ ق.م.ا) و گاه به صورت مجازات تکمیلی یا تنمیمی اجباری (ماده ۷۰۷ ق.م.ا) یا اختیاری (ماده ۷۰۸ ق.م.ا) مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد. کیفر نقدی دارای کارکردهایی است که یکی از آنها نقش جایگزینی آن است. به عبارت دیگر، این کیفر یکی از برنامه‌های جایگزین مجازات حبس — چه به شکل مستقل و چه به شکل کیفر تبدیلی — در اکثر کشورها (از جمله ایران) مورد استفاده قرار می‌گیرد. جزای نقدی عبارت است از «محکومیت به تأدیه مبلغی وجه نقد به عنوان مجازات به خزانه دولت» (۲۱۰؛ ۳۲ و ۱۶۷؛ ۴ و ۱۶۴؛ ۱۲).

در خصوص سابقه تاریخی تبدیل زندان به جزای نقدی، از همان آغاز تدوین قانون‌گذاری در ایران، مقرراتی در این زمینه وجود داشته‌اند. برای مثال، می‌توان به این موارد اشاره کرد: قانون امکان تبدیل حبس در امور جنائی و حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر است به جزای نقدی مصوب ۱۳۰۷، ماده ۲۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰، ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، مواد ۳ و ۴ و ۵ ق.م.ن.م. اشاره کرد.

مشکلاتی که در اجرای کیفر نقدی پیش می‌آید — از جمله این مسأله که محکوم‌علیه در صورت عجز از پرداخت آن روانه زندان می‌شود — باعث شده که این مجازات کارکرد خود را به عنوان یک مجازات سنتی از یک سو، و به عنوان مجازات جایگزین حبس، از سوی دیگر دست بدهد. به عبارت دیگر، پیش‌بینی بازداشت موقت در ازای عجز از پرداخت جزای نقدی با منظور اصلی قانون‌گذار — یعنی، اجتناب از مجازات حبس کوتاه‌مدت و آثار و عواقب زیان‌بار آن — و در نتیجه با قوانینی مثل

قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و موارد مصرف آن ۱۳۷۳، مغایرت و منافات دارد. بنابراین، برای جلوگیری از چنین مشکلاتی بهتر است راهکارهای دیگری مثل جزای نقدی روزانه یا تقسیط جزای نقدی را پیش‌بینی و تقویت نمود.

ب. گونه‌های نوین جایگزین حبس

این دسته از تدابیر شامل جایگزین‌هایی می‌شوند که در چند دهه اخیر در نظام‌های حقوقی دنیا مطرح شده‌اند، ولی هنوز در مقررات جزائی ایران از اعتبار قانونی برخوردار نیستند بلکه این گونه از جایگزین‌های حبس حدود سال‌های ۸۴-۱۳۸۳ توسط کمیسیون سیاست جنائی و اصلاح قوانین کیفری معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه در لایحه‌ای تحت عنوان «مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» پیش‌بینی شده‌اند که در شور اول، در مجلس شورای اسلامی، مورد تصویب قرار گرفته است. به همین دلیل و نیز با توجه به جدید بودن این دسته از تدابیر در سراسر جهان، می‌توان از آنها تحت عنوان «جایگزین نوین حبس» یاد کرد. مهم‌ترین مصداق‌های گونه‌های نوین عبارت‌اند از: محرومیت از حقوق اجتماعی، دوره مراقبت، جریمه روزانه و خدمات اجتماع محور (عام‌المنفعه).

۱. محرومیت از حقوق اجتماعی

مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی^۱ از ابتکارات جدیدی است که در برخی کشورها به کار گرفته شده و قاعده ۲۰۸ قواعد حداقل ملل متحد راجع به تدابیر غیرسالب آزادی (قواعد توکیو مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰) آنها را به عنوان تدابیری که می‌توانند به عنوان جایگزین مجازات حبس به کار گرفته شود به دولت‌های عضو پیشنهاد می‌کند.

محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق کیفری نوعی منع قانونی است که شخص به موجب آن صلاحیت و شایستگی اعمال حقوق خودش را از دست می‌دهد. مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی شامل مجازات‌های محدودکننده آزادی یا سالب حقوق

۱. برای اطلاع بیشتر از مفهوم محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات جایگزین حبس و تعریف، انواع و اقسام آن و غیره ر.ک: خالقی، ابوالفتح؛ جایگاه قانونی و عملی محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی به عنوان جایگزین مجازات سالب آزادی؛ رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۸۰.

شغلی و محرومیت از خدمات عمومی^۱ می‌شود. این مجازات تابع اصول حاکم بر مجازات‌ها است و از اهدافی مانند پیش‌گیری از جرم، اصلاح و بازپروری مجرم، رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها و اجتناب از مجازات حبس پیروی می‌کند. منظور از حقوق اجتماعی طبق ماده ۶۲ مکرر ق.م.ا (الحاقی سال ۱۳۷۷) عبارت است از «حقوقی که قانون‌گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می‌باشد از قبیل: حق انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، عضویت در کلیه انجمن‌ها و شوراها و غیره». نظام کیفری ایران از بدو قانون‌گذاری (سال ۱۳۰۴) به ضمانت‌اجراهای محدودکننده آزادی به عنوان مجازات‌های اصلی (مواد ۸، ۹، ۱۲، ۱۴ ق.م.ع ۱۳۰۴) و تکمیلی (ماده ۱۹ ق.م.ع ۱۳۰۴) توجه داشته و سپس در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ این ضمانت‌اجراها به عنوان مجازات تبعی و تکمیلی (بندهای ۳ و ۲ ماده ۱۵ ق.م.ع ۱۳۵۲) در نظر گرفته شدند. پس از انقلاب نیز می‌توان به ماده ۱۹ ق.م.ا (مجازات تتمیمی) و ماده ۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۷۱ اشاره نمود.^۲

در مواد ۲۸ و ۲۹ لایحه «مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» به محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان یکی از اقسام مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان اشاره شده است. موضوع این مواد راجع به انواع و اقسام محرومیت از حقوق اجتماعی و مدت آن و شرایط لازم برای صدور مجازات‌ها و تکالیف و اختیارات دادگاه در موقع صدور نیز، ضمانت اجرای تخلف از اجرای این مجازات از سوی

۱. منظور از بهره‌مندی از خدمات عمومی به عنوان یکی از مصادیق حقوق اجتماعی عبارت است از «خدماتی که زیر نظر دولت و یا مستقیماً به وسیله او برای ارضاء حوائجی که نفع عموم را دربردارند انجام می‌شود» نظیر خدمات مربوط به توزیع آب، برق و غیره. ر.ک.: ابوالحمد، عبدالحمید: حقوق اداری، سازمان‌های اداری ایران؛ ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۱، ص ۶.

۲. برای تفصیل راجع به جایگاه مجازات‌های محدودکننده آزادی و حتی مجازات‌های سالب حقوق اجتماعی در قوانین موضوعه و انواع آنها ر.ک.: حاجی‌تبار فیروزجائی، حسن؛ جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، همان مأخذ، صص ۱۳۴-۱۲۱.

محکوم‌علیه است. با تأمل بیش‌تر می‌توان گفت که موضع جدید تهیه‌کنندگان لایحه مذکور نسبت به مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی در مقایسه با موضع قانون‌گذار در قوانین فعلی (نظیر، مواد ۱۹ و ۲۰ ق.م.ا) از مزایا و امتیازات خاصی در جهت حبس‌زدایی و حتی از لحاظ نحوه اعمال و صدور آن برخوردار است. برای نمونه، می‌توان به ماده ۲۹ لایحه اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «... در صورت نقض ناموجه محرومیت از حقوق اجتماعی مورد حکم، قاضی اجرای مجازات اجتماعی برای بار نخست تا یک دوم حداکثر مدت مقرر برای آن محرومیت بر مدت آن می‌افزاید و بار دوم، چنانچه تعیین سایر مجازات‌های اجتماعی را مناسب نداند، بنا به پیشنهاد وی و تصمیم دادگاه صادرکننده حکم اولیه با رعایت تناسب جرم ارتكابی و مجازات مقرر قانونی و مدت دوره محرومیت طی شده، حسب مورد به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد. در ماده ۲۰ ق.م.ا راجع به تخلف از اجرای این مجازات‌ها، دادگاه می‌تواند این مجازات را تبدیل به جزای نقدی یا زندان بنماید که به نظر می‌رسد پیش‌بینی چنین تدبیری از سوی قانون‌گذار برای دادگاه با فلسفه و مقصود آن، یعنی اصلاح و بازپروری مجدد مجرم و سیاست جایگزینی مغایرت دارد، حال آنکه ماده ۲۹ لایحه مذکور از این جهت فاقد ایراد و اشکال است زیرا حتی در بار دوم در صورتی که دادگاه سایر مجازات اجتماعی را مناسب نداند می‌تواند محکوم‌علیه را حسب مورد به مجازات مقرر قانونی محکوم نماید.

۲. دوره مراقبت (تعليق مراقبتی)

دوره مراقبت^۱ به عنوان یکی از نهادهای جانشین مجازات حبس، عبارت است از دادن آزادی به مجرم تحت سرپرستی و نظارت مأموران دوره مراقبتی به جای کیفر حبس در مدت معینی برای آماده ساختن وی برای بازگشت به زندگی اجتماعی. بنابراین، دوره مراقبت ضمانت اجرائی مستقل به حساب می‌آید که متضمن ویژگی‌های ذیل است: ایجاد سازمانی مستقل در چهارچوب نظام

کیفری، قضائی بودن ماهیت و وظایف آن، دارا بودن اقتدار قانونی و اعمال سرپرستی و نظارت بر وی منظور بازگشت وی به جامعه و تطبیق با آن.^۱ در حقوق کیفری ایران از ابتدای قانون‌گذاری (ق.م.ع ۱۳۰۴) تاکنون خلأ قانونی در زمینه دوره مراقبت — که تقریباً مشابه و معادل تعلیق مراقبتی است — احساس می‌شد. اگر چه دادگاه می‌تواند اجرای دستورهای را از محکوم در مدت تعلیق بخواهد، اما در واقع باید گفت که این مسأله بیانگر به رسمیت شناخته شدن نهاد تعلیق مراقبتی و یا دوره مراقبت در حقوق کیفری ایران نیستند. زیرا، چهارچوب و قواعد و مقررات حاکم بر آن، چیزی غیر از آنچه که در قانون مجازات اسلامی آمده است، خواهد بود.

ماده ۱۷ قانون تعلیق اجرای مجازات مصوب ۱۳۴۶ مقرر می‌دارد: «وزارت دادگستری مکلف است ظرف ۵ سال از تاریخ تصویب این قانون وسایل اعمال نظارت بر مجرمینی که مجازات آنها معلق شده و یا در مدت تعلیق از طرف دادگاه دستورهایی درباره آنان صادر می‌گردد فراهم کند. ترتیب اعمال نظارت طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب وزارت دادگستری می‌رسد». این ماده بیانگر آن است که قانون‌گذار وقت به سازوکارهای تعلیق مراقبتی توجه داشته است. تصویب این آیین‌نامه سال‌ها به تعویق افتاد تا اینکه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تصویب آیین‌نامه امور زندان‌ها در سال ۱۳۶۱ به تصویب شورای عالی قضائی رسید. اما در جریان قانون راجع به مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ توسط کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلامی، تعلیق اجرای مجازات از صورت ماده خاص خارج و در قالب ماده ۴۰ ق.م.ا. پیش‌بینی شد، ولی ماده ۱۷ فوق‌الذکر نه تنها در ق.م.ا. بلکه در ق.م.ا. نیز پیش‌بینی نشده است.

در طی سال‌های ۸۴-۱۳۸۳، دوره مراقبتی و چهارچوب‌های آن به عنوان یک مجازات اجتماعی مستقل مورد توجه تهیه‌کنندگان لایحه قرار گرفت. در مواد ۱۴ تا ۱۸ این لایحه به نهاد دوره مراقبت پرداخته شده است. ماده ۱۴ لایحه مقرر

۱. برای اطلاع بیشتر از مفهوم قرار دوره مراقبتی اهداف و قلمرو، شرایط و مدت دوره مراقبتی رک: حاجی تبار فیروزجائی، حسن؛ همان مأخذ، صص ۱۴۸-۱۳۸.

می‌دارد: «دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن دادگاه فرد را با رعایت شرایط یاد شده در ماده ۱ این قانون، حداقل سه ماه و حداکثر سه سال با الزام به اجرای یک یا چند دستور ذیل تحت مراقبت قرار می‌دهد:

۱. حرفه‌آموزی یا گذراندن دوره‌های آموزشی و مهارتی ۲...۳...۴...۵...۶...۷...۸...۹...»
دوره مراقبت جزء یکی از بهترین تدابیر جایگزین حبس به حساب می‌آید. زیرا با مشاهده مقررات مرتبط با آن در این لایحه و نیز دستورهایی که فرد محکوم باید در طول اجرای این مجازات رعایت نماید، به وضوح بیانگر دغدغه تهیه‌کنندگان لایحه در دستیابی به اهداف برنامه‌های جایگزین حبس (به عنوان نمونه، تقویت حس مسؤلیت‌پذیری در مجرمان، مشارکت جامعه مدنی، جبران خسارت وارده بر بزه‌دیدگان، اجتناب از ایراد انگ مجرمانه به برخی مجرمان، اجرای عدالت و غیره است. زیرا، «محکوم کردن همه محکومان به حبس توجیه عقلانی ندارد. از یک سو، تحقیقات نشان می‌دهد که زندان کارکرد اصلاحی تربیتی برای مرتکبان جرم‌های خرد ندارد. از سوی دیگر، حضور این مرتکبان در جامعه برای سایر شهروندان خطرآفرین نیست. بنا بر این اقدام عادلانه‌تر این است که به جای زندانی کردن این مجرمان و ابتلای آنان به آسیب‌های گریزناپذیر حبس، آنان را در جامعه و در میان سایر شهروندان مورد مراقبت و بازپروری قرار دهیم. بدین ترتیب، محکوم‌علیه حیثیت و جایگاه اجتماعی خود را از دست نمی‌دهد و ضمن حفظ بخشی از آزادی خود به منزله یک شهروند مسؤؤل، رفتار وی تحت مراقبت و نظارت یک مأمور مراقبتی متخصص یا یک شهروند دیگر یا یک نهاد مدنی قرار می‌گیرد»^۱.

تهیه‌کنندگان لایحه، چهارچوب‌ها و ساختارهای دوره مراقبت، شرایط اعطا و لغو آن، ملاک‌های شایستگی اعطاء، مدت آن و غیره را همانند سایر کشورهای جهان پذیرفته‌اند. اما موفقیت برنامه‌های جایگزین حبس از جمله دوره مراقبتی و مؤثر واقع شدن آنها، نیازمند فراهم کردن بستر مناسب برای اجرای چنین برنامه‌هایی است. در غیر این صورت نه تنها پیش‌بینی چنین برنامه‌هایی در

۱. ر.ک.: گزارش توجیهی لایحه مجازات‌های اجتماعی؛ معاونت حقوقی و توسعه قضایی، همان مأخذ، صص ۳۳-۳۴.

مجموعه قوانین کفایت نخواهد کرد، بلکه می‌تواند باعث بروز عواقب زیان‌بار متعددی نظیر بی‌اعتمادی مردم نسبت به قانون‌گذار و نظام عدالت کیفری و غیره بشود.

۳. کیفر نقدی روزانه

با توجه به مشکلات جزای نقدی — از جمله حبس محکوم علیه در صورت عجز از پرداخت آن — اندیشمندان و صاحب‌نظران شیوه جدیدی از مجازات را برای عادلانه کردن اجرای این مجازات پیشنهاد نموده‌اند که از جمله آن کیفر نقدی روزانه^۱ است.^۲ کیفر نقدی روزانه (جریمه روزانه) عبارت است از پرداخت روزانه مبلغی پول به دولت به عنوان مجازات که با شدت جرم ارتكابی و میزان درآمد روزانه مجرم ارتباط و پیوستگی دارد.^۳ جریمه روزانه با این تعریف نماد بارزی از رعایت اصل فردی کردن مجازات است.

در خصوص جزای نقدی روزانه همانند دوره مراقبتی متأسفانه در حقوق کیفری ایران از بدو قانون‌گذاری تا به حال، هیچ‌گونه مقرراتی دیده نمی‌شود. تهیه‌کنندگان لایحه طی مواد ۲۵ الی ۲۷ برای اولین بار در ایران با اقتباس از حقوق سایر کشورها به مجازات کیفر نقدی روزانه اشاره داشتند. ماده ۲۵ لایحه مذکور مقرر می‌دارد: «دادگاه با توجه به درآمد محکوم و در نظر گرفتن هزینه‌های زندگی وی و نیز شدت جرم ارتكابی، به ترتیب زیر حکم به پرداخت جزای نقدی روزانه صادر می‌کند:

الف. شمار روزهای پرداخت جزای نقدی در جرم‌هایی که مجازات قانونی آن شلاق تعزیری یا حداکثر تا شش ماه حبس است، از ده تا صد و هشتاد روز و در جرم‌هایی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا دو سال حبس

1. Daily/day fine

۲. برای اطلاع بیش‌تر از مفهوم، سابقه تاریخی، اهداف، فواید، شرایط اعطا و نحوه اجرای جریمه روزانه؛ ر.ک.:

حاجی‌تبار فیروزجانی، حسن؛ همان مأخذ، صص ۱۵۳-۱۴۸.

۳. برای دیدن تعاریف مختلف از جزای نقدی روزانه ر.ک.:

- آشوری، محمد؛ جایگزین زندان؛ همان مأخذ، ص ۳۸۳.

- آنسل، مارک؛ دفاع اجتماعی؛ همان مأخذ، ص ۱۰۳.

- لاسال، ژان-ایو؛ جایگزین مجازات سالب آزادی در حقوق فرانسه و برآورد ترازنامه آن؛ همان مأخذ، ص ۲۷۷.

است، از صد و هشتاد تا سیصد و شصت روز است، که متناسب با مجازات مقرر قانونی تعیین خواهد شد.

ب. حداکثر میزان جزای نقدی روزانه یک چهارم درآمد روزانه محکوم‌علیه است.»

براساس مواد ۲۶ و ۲۷ لایحه مذکور، در صورتی که محکوم‌علیه در مهلت مقرر بدون عذر موجه آن را پرداخت نکند، بنا به پیشنهاد قاضی اجرای مجازات اجتماعی و تصمیم دادگاه صادرکننده حکم اولیه، به ازای روزهای باقی مانده حبس می‌شود. در صورتی که پرداخت نکردن جزای نقدی روزانه در مهلت مقرر ناشی از عذر موجهی باشد، قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین زندان یا مهلت دیگری برای پرداخت می‌دهد یا تبدیل آن را به مجازات اجتماعی جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد می‌کند.

در کنار کیفر نقدی روزانه می‌توان به اندیشه نسبتاً مشابهی تحت عنوان «قسط‌بندی جزای نقدی» با شرایط خاصی در ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ اشاره نمود. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه محکوم‌علیه (ضمن اجرای حبس) مدعی اعسار شود، به ادعای وی در خارج از نوبت رسیدگی و در صورت اثبات اعسار از حبس آزاد می‌شود و متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود، دادگاه متناسب با وضعیت مالی وی حکم بر تقسیط محکوم‌به را صادر خواهد کرد». با توجه به این ماده، باید محکوم‌علیه درخواست تقسیط بنماید. ثانیاً، این تقاضا بایستی ضمن اجرای حبس باشد. منظور از حبس در اینجا با توجه به ماده یک این قانون و نیز عنوان این قانون، همان بازداشت بدل از جزای نقدی است و ثالثاً محکوم توانایی پرداخت را به نحو اقساط داشته باشد.

۴. خدمات اجتماع‌محور (خدمات عام‌المنفعه)

این کیفر نه تنها فاقد خطرات و معایب زندان است بلکه باعث ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی نیز می‌شود. انجام خدمات عمومی از سوی محکوم، مترادف با بیگاری و کار اجباری نبوده بلکه در جهت بازپروری و اصلاح

محکوم‌علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت به زندان، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بازپروری، اشتغال به کارهای عام‌المنفعه و نیز جبران خسارت‌هایی است که مجرمان به واسطه ارتکاب جرم به اجتماع وارد کرده‌اند.^۱

خدمات اجتماع‌محور^۲ به عنوان یک مجازات عبارت است از انجام کاری بدون مزد از سوی محکوم‌علیه به دستور دادگاه به نفع جامعه (ماده ۱۹ لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان).

متأسفانه تاکنون در نظام عدالت کیفری ایران راجع به مجازات خدمات عمومی قوانین و مقرراتی وضع نشده است. اما در عمل در آراء و رویه‌های دادگاه و حتی در طرح‌های انجام شده از سوی سازمان زندان‌ها مواردی دیده می‌شود که بیانگر توجه قضات و مسوؤلان به این مجازات است. برای مثال، می‌توان به محکوم کردن سارق کم سن و سالی به باغبانی در یکی از نهادهای دولتی یا محکوم کردن دختر فراری از منزل به خدمت در خانه سالمندان اشاره کرد (۱۶۱: ۸).

آرای صادره اگرچه با توجه به مواد ۱۶ و ۱۷ ق. م. ا. ۱۳۷۰ تا حدودی صحیح به نظر می‌رسند، ولی چون مجازات خدمات عمومی و اجرای آن نیازمند شرایط و سازوکارهایی است که خود مستلزم تصویب قوانین ویژه‌ای در آن خصوص اند، استناد به مواد ۱۶ یا ۱۷ به تنهایی قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

در ارتباط با برنامه‌های جایگزین زندان (خدمات اجتماع‌محور) طرحی با این عنوان نیز توسط مدیرکل زندان‌های استان مازندران مطرح گردیده که درخور تأمل و توجه است (۱۴-۱۳: ۱۰). در این طرح انواع کار در امور مختلف پیش‌بینی شده است از جمله:

۱. کار در پروژه‌های کشاورزی و دامپروری به جای زندان ۲- کار در پروژه‌های معدنی به جای زندان ۳- کار در پروژه‌های صنعتی به جای زندان و ۴- ...
- در ایران هم اکنون اقداماتی از سوی معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه راجع به مجازات خدمات عمومی صورت گرفته است و شرح و شرایط

1. community service

۲. ر.ک. بخش توجیهی مواد لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان، ص ۳۵.

مربوط به این مجازات در موارد ۱۹ الی ۲۴ لایحه «مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» بیان شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به طور کلی، طبق مطالعات و تحقیقات انجام شده در اکثر کشورها و حتی در ایران مجازات حبس در برآورده کردن رسالت‌ها و اهدافش موفق نبوده است. یکی از انگیزه‌های تدوین و تنظیم «لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» ناشی از همین امر بوده است. زیرا آمارها نشان داده اند که بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرارکنندگان جرم (ارتکاب مجدد جرم مستوجب حبس توسط زندانی پس از آزادی از زندان) تشکیل می‌دهند. از این رو، به دلیل برخی مشکلات و معایب وارده بر مجازات حبس و نظام اجرائی آن، استفاده گسترده از این مجازات در اکثر موارد به عنوان یک اصل در مجموعه و قوانین و مقررات جزائی و حتی در رویه دادگاه‌ها در ایران غیر ضروری و نامناسب به نظر می‌رسد و تنها باید از مجازات حبس به عنوان یک ضمانت اجرائی استثنائی استفاده شود. همچنین آمارها و مطالعات صورت گرفته در کشورهای مختلف بیانگر این هستند که مجازات‌های جایگزین حبس در مقایسه با خود مجازات حبس در تحقق اهدافشان موفق‌تر اند. زیرا نه تنها پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین می‌تواند باعث متنوع‌تر شدن ضمانت اجراها و در نتیجه اجرای عدالت شوند، بلکه اصلاح و بازسازی اجتماعی مجرم را بیش‌تر فراهم می‌نمایند.

در حقوق کیفری ایران، اگر چه تدابیری تحت عنوان «جایگزین مجازات حبس» و حتی اجتناب از آن از نخستین دوره‌های قانون‌گذاری پیش‌بینی شده است، اما این تدابیر از انسجام کافی برخوردار نبوده و برای نهادینه ساختن آن در نظام کیفری ایران سیاست جنائی مشخصی دیده نمی‌شود. این تدابیر در حقوق کیفری ایران محدود و تنها شامل برخی نظیر تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تبدیل مجازات، محرومیت از حقوق اجتماعی و نیز جزای نقدی می‌شود. در قوانین فعلی ایران برای اجرای این تدابیر، نهادهای مشخص با مأمورین

ویژه و دارای اختیارات معین پیش‌بینی نشده است. در حالی که روش‌های دیگر جایگزین نظیر خدمات عمومی، جریمه روزانه و غیره می‌توانست تنوع بیش‌تری به این سیاست ببخشد و در رعایت اصل تناسب و فردی کردن مجازات مساعدت بیش‌تری نماید. اما طی چند سال اخیر، نظام عدالت کیفری ایران با تأثیرپذیری از فقه اسلامی و حقوق تطبیقی و نیز با تأثیرپذیری از اسناد بین‌المللی به سوی حبس‌زدایی و توسل به راه‌حل‌های آن گرایش دارد. اما اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های «جایگزین حبس» در ایران نیازمند به کارگیری راه‌کارها و پیشنهادهایی است که مهم‌ترین موارد آن را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. تدوین قانونی جامع و مانع در زمینه جایگزین‌های حبس به منظور پر کردن خلأ قانونی موجود ضروری است؛
۲. قوه قضائیه و سایر نهادهای مسؤؤل باید زمینه و بستر مناسب و مفید را از طریق فرهنگ‌سازی به عنوان نمونه، توجیه و تبیین برنامه‌های جایگزین حبس برای قضات از طریق برگزاری نشست‌ها و دوره‌های آموزشی، مطلع ساختن مردم از عیوب زندان و عملکرد مفید نهادهای جایگزین زندان از طریق تهیه فیلم، برنامه‌های تلویزیونی و غیره فراهم کنند. از آنجا که اجرای بسیاری از این تدابیر مانند خدمات اجتماع‌محور نیازمند مشارکت و همکاری مردم و نهادهای جامعه‌ای است، فرهنگ‌سازی را باید مهم‌ترین شرط لازم برای تضمین موفقیت برنامه‌های جایگزین تلقی کرد؛
۳. راه‌کارهای نظارتی و مراقبتی و نهادها و مؤسسات مسؤؤل اجرای آنها، حدود و وظایف و اختیارات این نهادها باید به طور دقیق و روشن در قانون پیش‌بینی شود؛
۴. از تجربیات موفق و مطالعات انجام شده در سایر کشورهای جهان در این خصوص باید استفاده شود. البته از آنجا که این مجازات‌ها از ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مهمی برخوردار اند، در استفاده از تجربیات کشورهای دیگر باید به واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی ایران توجه کرد؛

۵. قوانین موضوعه جزایی ایران — برای مثال، قانون مجازات تعزیرات و بازدارنده ۱۳۷۵ — در راستای تعدیل سیاست حبس محوری باید مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرند.

در همین راستا، در ق.م.ا. ۱۳۷۰ در زمینه جایگزین‌هایی مانند تعلیق اجرای مجازات، محرومیت از حقوق اجتماعی و آزادی مشروط مشکلات و ایرادهایی مشاهده می‌شود که باید مورد بازنگری قرار گیرند.

فهرست منابع

۱. آشوری، محمد؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین؛ چاپ اول، نشر گرایش، ۱۳۸۲.
۲. آشوری، محمد؛ جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر؛ مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۳. آنسل، مارک؛ دفاع اجتماعی؛ ترجمه: نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ و آشوری، محمد؛ چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۴. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی؛ جلد دوم، چاپ هفتم، نشر میزان، ۱۳۸۳.
۵. اردبیلی، محمدعلی؛ جایگزین‌های زندان کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران؛ مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۱-۱۲، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۷۲-۱۳۷۱.
۶. یرادل، ژان؛ تاریخ اندیشه‌های کیفری؛ ترجمه: نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۷. تمجید نوجه ده، فرامرز؛ تعلیق مجازات در حقوق جزای ایران و انگلستان؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۱.
۸. حاجی‌تبار فیروزجائی، حسن؛ جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران با دیباچه دکتر علی صفاری، چاپ اول، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۶.
۹. کارمزدی، عبدالکریم؛ آزادی مشروط؛ مجله دادرسی، شماره ۱، ۱۳۷۶.
۱۰. محمدی، داود؛ حبس و جایگزین آن؛ مجله کانون اصلاح و تربیت، شماره ۱۶، ۱۳۸۲.
۱۱. مظلومی، شهلا؛ جانشین‌های مجازات زندان برای زنان؛ مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۱۲. ملک اسماعیلی، عزیراله؛ حقوق جزای عمومی؛ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
۱۳. منصورآبادی، عباس؛ زندان؛ راه حل یا مشکل؛ مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ تقریرات علوم جنائی؛ جلد اول، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، دی ۱۳۸۱، به کوشش رایجیان اصلی، مهرداد؛ و ابراهیمی، شهرام.
۱۵. نوربها، رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی؛ چاپ چهارم، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۹.
۱۶. نوربها، رضا؛ نگاهی به قانون مجازات اسلامی؛ نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۱۷. هاشمی شاهروردی، آیتا... سید محمود؛ (سخنرانی افتتاحیه)، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین همایش بین‌المللی بررسی راههای جایگزین حبس، انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۱.

18. Wasik. Martin, (2001), "Emmins on sentencing" fourth Edition; oxford university press.

کتاب‌شناسی

۱. ابوالحمد، عبدالحمید؛ حقوق اداری؛ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۱.
 ۲. خالقی، ابوالفتح؛ جایگاه قانونی و عملی محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی به عنوان جایگزین مجازات سالب آزادی؛ رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۸۰.
 ۳. صفاری، علی؛ کیفرشناسی و توجیه کیفر؛ مقالات علوم جنائی، جلد ۲، انتشارات سلیسیل، ۱۳۸۴.
 ۴. صفاری، علی؛ کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)؛ چاپ اول - انتشارات جنگل، ۱۳۸۶.
 ۵. صفاری، علی؛ تقریرات کیفرشناسی؛ دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، نیمسال اول ۱۳۸۵-۸۶.
 ۶. قنبری، عطاء الله؛ جایگزین‌های کوتاه مدت در حقوق ایران و انگلستان؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۷۶.
 ۷. گودرزی، محمدرضا؛ نارساییهای زندان؛ مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۰-۹، ۱۳۸۲.
 ۸. لاسال، ژان - ایو؛ جایگزین‌های سالب آزادی و برآورد ترازنامه اجرایی آنها در حقوق فرانسه؛ ترجمه: نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۲-۳۱، ۱۳۷۹.
 ۹. ماری پیکار، ژان؛ مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین همایش بین‌المللی بررسی راه‌های جایگزین مجازات حبس؛ انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۱.
 ۱۰. میرمحمد صادقی، حسین؛ مجموعه مقالات و سخنرانی اولین همایش بین‌المللی بررسی راه‌های جایگزین مجازات حبس؛ انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۱.
 ۱۱. معاونت حقوقی و توسعه قضایی (کمیسون سیاست جنائی و اصلاح قوانین کیفری)؛ لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان و گزارش توجیهی آن، ۸۵-۱۳۸۴.
 ۱۲. میزگرد جرم‌زدایی از قانون؛ مجله حقوقی و قضایی وزارت دادگستری، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۸۱.
 ۱۳. نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ کیفرهای جامعه مدار؛ دیباچه برناربولک، کیفرشناسی، چاپ چهارم، انتشارات مجد، ۱۳۸۴.
14. Cavadino, M& Dignan. J, (2002), 'The penal system: An introduction; third edition, sage publication, London.

